

آغاز خدمت مسیح (بخش اول)

آغاز خدمت عیسی مسیح (۱)

متی ۴: ۱۲-۲۲

متی در باب ۴، پس از ماجرای تجربه عیسی در بیابان، از آیات ۱۲ به بعد به شرح چگونگی آغاز خدمت عیسی مسیح و شهرت یافتن او می پردازد.

متی در رابطه با آغاز خدمت عیسی مسیح، به نکات مهمی اشاره می کند. اولین مورد، تشبیه زیبایی است که او برای عیسی مسیح بکار می گیرد: به آیات ۱۲ الی ۱۷ توجه کنید که چنین می فرماید:

متی ۴: ۱۲-۲۲ و چون عیسی شنید که یحیی گرفتار شده است، به جلیل روانه شد، و ناصره را ترک کرده، آمد و به کفرناحوم، به کناره دریا در حدود زبولون و نفتالیم ساکن شد. تا تمام گردد آنچه به زبان اشعای نبی گفته شده بود که «زمین زبولون و زمین نفتالیم، راه دریا آن طرف آرژن، جلیل امت ها؛ قومی که در ظلمت ساکن بودند، نوری عظیم دیدند و بر نشینندگان دیار موت و سایه آن، نوری تابید.» از آن هنگام، عیسی به موعظه شروع کرد و گفت: «توبه کنید زیرا ملکوت آسمان نزدیک است.» و چون عیسی به کناره دریای جلیل می خرامید، دو برادر، یعنی شمعون مسمی به پطرس و برادرش اندریاس را دید که دامی در دریا می اندازند، زیرا صیاد بودند. بدیشان گفت، از عقب من آید تا شما را صیاد مردم گردانم. در ساعت دامها را گذارده، از عقب او روانه شدند. و چون از آنجا گذشت، دو برادر دیگر یعنی یعقوب، پسر زیدی و برادرش یوحنا را دید که در کشتی با پدر خویش زیدی، دامهای خود را اصلاح می کنند؛ ایشان را نیز دعوت نمود. در حال، کشتی و پدر خود را ترک کرده، از عقب او روانه شدند. (ترجمه کلاسیک)

بررسی یک جریان تاریخی بین دو آیه

پس مطالعه ما از آیه ۱۲ شروع می شود اما، نکته ای که باید در شروع مطالعه مون بدونیم فاصله زمانی این آیه با آیه ماقبل آن یعنی آیه ۱۱ است که دو واقعه تجربه مسیح در بیابان، با بازگشت مسیح از یهودیه به جلیل را به هم متصل ساخته است.

پس دو آیه را پشت سر هم می خوانیم و بعد به بررسی فاصله زمانی آنها می پردازیم.

متی ۴: ۱۱-۱۲ آنگاه شیطان دور شد و فرشتگان آمدند و عیسی را خدمت کردند. وقتی عیسی از دستگیری یحیی باخبر شد، از ایالت یهودیه، به ناصره در ایالت جلیل بازگشت. (ترجمه تفسیری)

بین این دو واقعه، فاصله زمانی، حدوداً یکساله وجود دارد که متی بدلیل هدفی که داشت به آن اشاره نمی کند.

اما در انجیل یوحنا بابهای ۱: ۱۹ الی ۴: ۴۲ به وقایعی که در این فاصله زمانی رخ داده اشاره شده است که بطور خلاصه به آنها اشاره می کنم.

خلاصه مشروح وقایع بین آیات ۱۱ و ۱۲ از یوحنا بابهای ۱: ۱۹ الی ۴: ۴۲

در انجیل یوحنا باب یک میبینیم که عیسی مسیح بعد از ۴۰ شبانه روز تجربه در بیابان بلافاصله به جائیکه یحیی به مردم موعظه می کرد و آنها را تعمید می داد، بر میگردد.

هدف مسیح از این کار این بود که هویتش توسط یحیی تعمید دهنده به مردم برای بار آخر احراز شود.

بهمین منظور او سه روز در آن حوالی که یحیی بود حضور داشت و در این سه روز یحیی سه شهادت مهم در مورد عیسی مسیح می دهد که از این قرارند:

اولین شهادت یحیی در روز اول: یحیی به مردم می گوید که عیسی مسیح اینجا و در میان شماست (یوحنا ۱: ۱۹-۲۶)

دومین شهادت یحیی در روز دوم: او می گوید، نگاه کنید، این (عیسی مسیح) همانست. بعبارتی او را شخصاً به مردم معرفی می کند. (یوحنا ۱: ۲۹-۳۴)

سومین شهادت یحیی در روز سوم: او را دنبال کنید (یوحنا ۱: ۳۵-۳۶)

پس از این سه شهادت یحیی تعمید دهنده، ترتیب رخداد وقایع به این شرح است که:

- عیسی مسیح به انتخاب اولین گروه شاگردان خود می پردازد.

- در عروسی قانای جلیل آب را به شراب تبدیل می کند. (این معجزه برای شناساندن خود به شاگردان بود)

- بعد از آن همراه با مادر، برادران و شاگردانش به کفرناحوم و چون عیدفصح نزدیک بود به اورشلیلیم می رود و بدین صورت پیشگویی زکریا به تحقق می پیوندد که ناگاه مسیح به عبادتگاه خود می آید. در آنجاست که شلاقی ساخته آنجا را مرتب می کند.

- آنگاه نيقوديموس که یک معلم يهود بود برای مطرح کردن سؤالاتی نزد مسیح می رود و عیسی مسیح در رابطه با تولد تازه به او تعلیم میدهد.

- بعد از آن، عیسی و شاگردانش به سرزمین یهودیه می روند. جالب است که در این زمان عیسی و یحیی همزمان موعظه می کنند و مردم را تعمید آب می دهند. هنوز انتقال خدمت، کاملاً صورت نگرفته. یحیی هنوز مشغول جمع کردن شاگرد می باشد و بعداً آنها را به مسیح واگذار می کند.

- تا قبل از زندانی شدن یحیی، عیسی با او خدمت می کرد و در نهایت شهادت زیبایی از مسیح می دهد.

یوحنا ۳: ۳۰ می باید که او افزوده شود و من ناقص گردم.

و یحیی با گفتن این مطلب در واقع میگوید که انتهای خدمت من رسیده الان وقت آن است که عیسی مسیح ادامه کار را انجام دهد و بدینصورت باب ۴ انجیل یوحنا آغاز میشود که:

- عیسی در راه جلیل از سامره میگذرد و در باب ۴ به زن سامری بر میخورد.

- از آنجا به سفر خود ادامه میدهد و دوباره به قانای جلیل می رود که در آنجا پسر یک نجیب زاده شفا می دهد. و این دومین معجزه مسیح بود.

- در اینجا است که به جلیل می رود تا خدمت خود را آغاز کند.

این بود وقایعی که در فاصله زمانی دو آیه ۱۱ و ۱۲ از متی ۴ گذشت.

ادامه مطالب از متی ۱۲:۴

حال به متن اصلی یعنی متی ۱۲:۴ برمیگردیم.

متی ۱۲:۴ و چون عیسی شنید که یحیی گرفتار شده است، به جلیل روانه شد،

جالب اینجاست که اولین کسانی که به مسیح ایمان آوردند غیر یهودیان بودند، بعنوان مثال، نجیب زاده ای که پسرش شفا می یابد و مردم سامره.

از اینجا می فهمیم که نجات و رستگاری بشر اعم از یهود و غیریهود همیشه جز نقشه خدا بوده.

مطالعه ای که امروز و جلسه آینده از مشروح آغاز خدمت عیسی مسیح خواهیم داشت، بررسی چند ویژگی است که به ترتیب به آنها خواهیم پرداخت.

پس اولین ویژگی در شروع خدمت مسیح، زمان مناسب می باشد که در آیه ۱۲ به آن اشاره شده است.

۱) عیسی خدمت خود را در "زمان مناسب" آغاز کرد

متی ۱۲:۴ و چون عیسی شنید که یحیی گرفتار شده است، به جلیل روانه شد،

زمانبندی خدا

در اینجا (یعنی متی ۱۲:۴) عیسی مسیح با شنیدن خبر گرفتار شدن یحیی، می داند که باید خدمت خود را رسماً آغاز کند.

این اصطلاحات زمانی را نویسندگان کلام خدا عمداً درج می کنند تا شنوندگان یا خوانندگان دقت کار خدا را در نگاهداشتن زمانها درک کنند.

واقعۀ از این قرار است که یحیی تعمید دهنده، که شخص بسیار جسوری بود، هیرودیس را بخاطر روابط نامشروعش مورد سرزنش قرار می دهد و بخاطر اینکارش در یک سیاهچال زندانی می شود. او مدت زیادی در سیاهچال بود تا اینکه برادرزاده اش، سالومه (متی ۱۴) در مجلسی می رقصد و در آنجا سر بریده یحیی را درخواست می کند.

شجاعت و بی باکی یحیی منجر به جدا شدن سر از بدنش می شود. این گونه برخورد با فساد در اجتماع خیلی شدید بنظر می رسد. شاید امروز هم ما افرادی مثل یحیی نیاز داریم که در مقابل فساد و بی عدالتی های جامعه شجاعانه پیامشان را بدهند. برایشان فرق نکند که مخاطبشان کیست و حقیقت را با دلیری بیان کنند.

John Knox نیز یکبار در مقابل ملکه Mary ایستاد و او را بخاطر اشتباهی که کرده بود توبیخ کرد. ملکه به او گفت آیا فکر می کنی توبیخ یک ملکه کار درستی است؟ پاسخ John این بود که اگر ملکه اشتباه کند باید اشتباهش فاش و اگر لازم باشد از کار معزول شود.

یحیی تعمید دهنده نیز اینگونه جسارتی داشت و جانش را برای حقیقتی که به آن باور داشت، داد.

و این واقعه در زمانبندی خدا انجام شد. چون وقتی به متی باب ۴ نگاه می کنیم در می یابیم که با به زندان افتادن یحیی تعمید دهنده، عیسی مسیح آنجا را به قصد جلیل ترک می کند و خدمتش را از آنجا آغاز می کند.

شگفت انگیز است که چطور خدا از شرایط بد تاریخ به نفع انجام نقشه های خود استفاده می کند.

شجاعت مسیح

نکته جالب دیگر در اینجا، شجاعت مسیح می باشد که درست پس از به زندان افتادن یحیی دست بکار می شود.

مسیح هم مثل یحیی تعمید دهنده از کسی نمی ترسید. اما نمی خواست قبل از موعودش دستگیر شود و یا بحرانی بوجود بیاورد.

جلوتر می بینیم که وقتی زمانش رسید، فریسیان، صدوقیان و رهبران یهود را بخاطر فسادی که داشتند سخت مورد سرزنش قرار می دهد.

بنابراین او هر آنچه می کرد عمداً و حساب شده انجام می داد و این ما رو به ویژگی دوم از آغاز خدمت مسیح، یعنی مکان مناسب می برد که شرح آن در آیات ۱۲ الی ۱۶ داده شده.

۲) عیسی مسیح خدمت خود را در مکان مناسب آغاز کرد

متی ۱۲:۴-۱۶ چنین می گوید:

متی ۱۲:۴-۱۶ و چون عیسی شنید که یحیی گرفتار شده است، به جلیل روانه شد، و ناصره را ترک کرده، آمد و به کفرناحوم، به کناره دریا در حدود زبولون و نفتالیم ساکن شد. تا تمام گردد آنچه به زبان اشعای نبی گفته شده بود که، زمین زبولون و زمین نفتالیم، راه دریا آن طرف اُزُن، جلیل امتها؛ قومی که در ظلمت ساکن بودند، نوری عظیم دیدند و برنشینندگان دیار موت و سایه

حال باید دید که چرا مسیح برای آغاز خدمتش به استان جلیل رفت.

روشنفکری یهودیان جلیل

استان جلیل در ترجمه های دیگر فارسی تحت عنوان، جلیل امته (ترجمه کلاسیک)، جلیل اجنبیان (هزاره نو) و جلیل علیا، سرزمین بیگانگان (تفسیری) بکار گرفته شده است.

دلیل این نامها و القاب برای جلیلیان این است که غیریهودیان زیادی در آنجا زندگی می کردند، که این البته در نظر یهودیان ناخوشایند بود.

حضور و اختلاط غیر یهودیان با یهودیان جلیلیان باعث شده بود که آنها روشنفکر تر از یهودیان سایر مناطق اسرائیل باشند.

جاده های استان جلیل

علاوه بر این، در آن زمان، جاده تجاری معروفی بنام راه دریا بود که از دمشق به جلیل و از آنجا به آفریقا می رفت.

شهر اورشلیم چنین امتیازی نداشت و از لحاظ موقعیتی محدود بود. مثلی است که می گویند، یهودیه به هیچ جا راه ندارد اما جلیل سر راه همه جا است.

پس استان جلیل بخاطر روشنفکری مردم، حضور غیر یهودیان، و شاه راه های ارتباطی و جمعیت شلوغ و رونق کاری و کشاورزی که داشت بهترین مکان برای شروع خدمت مسیح بود.

آغاز کار بشارت مسیح به غیر یهودیان نشان می دهد که پیام نجاتبخش انجیل برای همه است خواه یهود خواه غیر یهود.

پس می توان نتیجه گرفت، گرچه متی انجیلش را برای یهودیان نوشته، ولی برای شرح آغاز خدمت مسیح یا ماسیح نجات دهنده، عمداً از شهر مقدس اورشلیم و یهودیه نام نبرد، و متمرکز استان جلیل، که به آن منطقه غیر یهودیان می گفتند، شده است.

بالاخره پس از ۳۰ سال انزوا در ناصره، زمان آغاز خدمت عیسی مسیح فرا رسید و کلام خدا می فرماید که ظلمت غلیظی که در آن بخش از سرزمین اسرائیل را فرو گرفته بود، با درخشش نور عظیم مسیح روشن شد. مردمی که در انتظار آمدن ماسیح، پادشاه عدالت بودند و برای ظهور او هر روزه می گرفتند و دعا می کردند، و در نهایت با او روبرو شدند.

متی در آیه ۱۴ از اشعیا ۹: ۱-۲ نقل قول می کند.

اشعیا ۹: ۱-۲ لیکن برای او که در تنگی می بود، تاریکی نخواهد شد. در زمان پیشین زمین زبولون و زمین نفتالی را ذلیل ساخت، اما در زمان آخر آن را به راه دریا به آن طرف اردن در جلیل امت ها محترم خواهد گردانید. قومی که در تاریکی سالک می بودند، نور عظیمی خواهند دید و بر ساکنان زمین سایه موت نور ساطع خواهد شد.

در زمان اشعیای نبی مردم گرفتار گناهان بسیار دلخراش و رقت انگیزی بودند. آحاز که پادشاه بسیار منحرفی بود، بت پرستی را بین یهودیان رواج داد. مجسمه برنجی از مولک، خدای وحشی عمونی ها ساخته بود و طی مراسمی بر یک کوه، کودکان را به آتش انداخته برای او قربانی می کردند. خدا در رابطه با این مردم در اشعیا چنین میگوید:

اشعیا ۸: ۱۹-۲۲ وقتی مردم به شما می گویند که با فالگیران و جادوگرانی که زیر لب ورد می خوانند مشورت کنید، شما در جواب بگویید: «آیا از مردگان درباره زندگان مشورت خواهیم؟ چرا از خدای خود مشورت نخواهیم؟» مردم موافق کلام و دستورات خدا سخن نمی گویند و کلامشان عاری از نور حقیقت است. ایشان در تنگی و گرسنگی قرار خواهند گرفت و آواره خواهند شد. از شدت گرسنگی و پریشانی پادشاه و خدای خود را نفرین خواهند کرد. به آسمان خواهند نگرست و به زمین نگاه خواهند کرد، ولی چیزی جز تنگی و پریشانی و تاریکی نخواهند دید، و بسوی تاریکی محض رانده خواهند شد.

از این آیات به وضوح در می یابیم که اگر مردم موافق کلام و دستورات خدا عمل نکنند عاری از نور حقیقت بوده و در تنگی، پریشانی و تاریکی خواهند بود و بسوی تاریکی محض رانده خواهند شد.

اما خبر خوش در اینجا است که این تاریکی همیشگی نیست و همانطور که در اشعیا ۱:۹ و متی ۱۴:۴-۱۶ می خوانیم، مردم این ناحیه، یعنی استان جلیل، نوری عظیم دیدند.

عیسی مسیح همان آفتاب عدالت بر آنجا طلوع نموده، بشارت پادشاهی خدا را به آنها داد.

جالب است که در متی در آیه ۱۶ مردم کفرناحوم و مناطق جلیل را مردمی می خواند که در ظلمت ساکنند، و در دیار موت و سایه آن نشسته اند.

دلیلش این است که آنها آن نور عظیم را نپذیرفتند بلکه ترجیح دادند که در تاریکی زندگی کنند. به همین دلیل است که در تاریخ ما شاهدیم که حکومت جنوبی اسرائیل از اسارت بازگشت و احیا شد اما برای حکومت شمالی هرگز اینطور نشد.

تاریکی و ظلمت آنان غلیظ تر شد و داوری خدا بر آنها قرار گرفت. آنهائیکه در ظلمت بیشتر بودند نور عظیم و فیض بیشتری شامل حالشان شد اما متأسفانه آنرا نپذیرفتند.

اما این فرصت برای امتها، اجنبیان یا غیر یهودیانی که آنجا بودند پیش آمد که از طلوع آفتاب عدالت بهرمند شوند.

نجات خدا برای همه قومهاست

توجه داشته باشید که این گونه آیات در عهدعتیق، دلایل محکمیت مبنی بر اینکه نجات و رستگاری بشر اعم از یهود و غیر یهود، همیشه در اراده و نقشه خدا بوده است.

خدا آشکار میسازد که نجات و رستگاری او غیر از مراسم دینی، آئین های عبادی، مذهب، مراسم قربانی است.

وعدۀ خدا در گذشته این بود که بزودی آفتاب عدالت او، بر همه طلوع خواهد کرد و آن عصر طلایی که در اشعیا ۳:۹ آنرا به اصطلاح زمان تقسیم نمودن غنیمت، روز شادمانی و پیروزی نامیده، خواهد رسید.

نکته قابل توجه این است که یهودیان، عصر کلیسا را درک نمی کنند. آنچه اشعیا در اینجا شرح می دهد، این است که مسیح به جلیل می آید و عصر طلایی فرا خواهد رسید.

فیض خدا شامل اهالی جلیل اعم از یهود و غیر یهود شد.

این مطلب ما را به ویژگی سوم می برد و آن پیام مناسبی است که عیسی مسیح خدمش را با آن آغاز کرد که در آیه ۱۷ به آن اشاره شده است.

(۳) پیام مناسب

متی ۱۷:۴ عیسی از آن روز به بعد، به اعلام پیغام خدا پرداخت و می گفت: «از گناهان خود توبه نمایید و نزد خدا بازگشت کنید، زیرا ملکوت آسمان نزدیک شده است.»

دعوت به توبه و پیوستن به ملکوت خدا، از همان ابتدای خدمت مسیح، پیامش بود.

یحیی تعمید دهنده نیز همین پیام را به مردم می داد (متی ۳:۲).

در این پیام دو نکته نهفته است.

نکته اول، توبه و دوم، دلیل توبه که دو موضوع جداگانه می باشند.

عیسی مسیح به مردم آنجا گفت که:

تاریکی بر شما و در شماست و اگر توبه کنید آنرا از خود دور خواهید کرد.

به این مفهوم که: به گناهکار بودن خود اعتراف به سوی خدا بازگشت کنند.

بعبارتی توبه یعنی عوض شدن زندگی. یعنی تبدیل، یعنی به پادشاهی خدا پیوستن و تسلیم شدن به ملکوت خدا.

نکته دیگر در این رابطه این است که عیسی مسیح، نزدیک بودن ملکوت آسمان را، دلیلی برای توبه می داند.

بعبارتی، با آمدن عیسی مسیح، پادشاهی خدا نیز برقرار شده است.

خدا دل‌های سنگی را با نازل کردن روح القدس به دل‌های گوشتین تبدیل می کند و شریعت خود را بر دل ایمانداران می گذارد.

مردم با پذیرش شاه شاهان و ملکوت او، جز شهروندان این ملکوت محسوب می شوند.

زمان حاکمیت گناه بسر رسیده، ایماندارانی که با توبه و بازگشت وارد ملکوت خدا می شوند، از ملکوت ظلمت به ملکوت نور منتقل می گردند. آنها فرزندان نور می شوند.

البته پادشاهی مسیح هنوز بر روی زمین برقرار نشده، اما این آغاز حاکمیت اوست. او الان در قلوب مومنین پادشاهی خود را برقرار کرده، اما روزی می رسد که ملکوت او جهانگیر خواهد شد.

عیسی مسیح می توانست خدمتش را با موعظه در رابطه با موضوعات مختلف آغاز کند اما چون توبه از گناهان و بازگشت بسوی خدا شرط لازم و کافی برای ورود به ملکوت خداست، با موعظه توبه آغاز کرد.

با بیان این مطلب، به ویژگی چهارم یعنی همکاران مناسب میرسیم که در آیات ۱۸ الی ۲۲ به آن می پردازد.

۴) همکاران خدا

در آیه ۱۸ عیسی با شمعون پطرس و برادرش اندریاس ملاقات می کند و

در آیه ۲۱ او با دو برادر دیگری بنامهای یعقوب و یوحنا برخورد می کند.

عیسی مسیح این چهار نفر را برای تعلیم و بشارت دادن انتخاب می کند.

متی ۱۸:۴-۲۲ و چون عیسی به کناره دریای جلیل می خرامید، دو برادر، یعنی شمعون مسمی به پطرس و برادرش اندریاس را دید که دامی در دریا می اندازند، زیرا صیاد بودند. بدیشان گفت، از عقب من آیید تا شما را صیاد مردم گردانم. در ساعت دامها را گذارده، از عقب او روانه شدند. و چون از آنجا گذشت، دو برادر دیگر یعنی یعقوب، پسر زبیدی و برادرش یوحنا را دید که در کشتی با پدر خویش زبیدی، دامهای خود را اصلاح می کنند؛ ایشان را نیز دعوت نمود. در حال، کشتی و پدر خود را ترک کرده، از عقب او روانه شدند.

خدمت بشارت یک کار تیمی است. از بین ۱۲ نفر شاگردی که مسیح دعوت کرد ما فقط از سرنوشت ۷ نفر با خبر هستیم. از ۵ نفر دیگر اطلاع زیادی در دست نیست. آنچه می دانیم اینست که عیسی مسیح شخصاً همه را دعوت به پیروی کرد و این فرصت عالی را به آنها داد.

خدا خادمینش را شخصاً دعوت می کند و آنها را بدقت انتخاب می کند.

خدا افرادی مثل ارمیا، اشعیا، حزقیال و بسیاری دیگر را برگزید تا او را خدمت کنند.

کلام خدا در رابطه با دعوت یا انتخاب الهی چنین می گوید:

یوحنا ۱۶:۱۵ شما مرا برگزیدید، بلکه من شما را برگزیدم و شما را مقرر کردم تا شما بروید و میوه آورید و میوه شما بماند تا هر چه از پدر به اسم من طلب کنید به شما عطا کند.

یوحنا ۷:۶ عیسی بدیشان جواب داد: «آیا من شما دوازده را برگزیدم و حال آنکه یکی از شما ابلیسی است.»

یوحنا ۱۸:۱۳ من آنانی را که برگزیده ام می شناسم، لیکن تا کتاب تمام شود "آنکه با من نان می خورد، پاشنه خود را بر من بلند کرده است."

لوقا ۶:۱۳ و چون روز شد، شاگردان خود را پیش طلبیده دوازده نفر از ایشان را انتخاب کرده، ایشان را نیز رسول خواند.

نکته جالب در اینجاست که، خدمت بشارت به همه کسانی که به عیسی مسیح ایمان می آورند داده شده است.

بنابراین از انبیای عهدعتیق گرفته تا شاگردان و ایمانداران عهدجدید، همگی همکاران اویند و باید شاهد او باشد.

در اعمال ۸:۱ مسیح به پیروانش می گوید که پس از نزول روح القدس شما شاهدان من خواهید بود اول در اورشلیم و بعد یهودیه و سامره و اقصای جهان، به همین دلیل پولس رسول در دوم قرن تیان ۲۰:۵ میگوید :

دوم قرن تیان ۲۰:۵ ما سفیران مسیح هستیم . خدا بوسیله ما با شما سخن می گوید. وقتی ما چیزی را از شما درخواست می کنیم ، مانند اینست که مسیح آن را از شما می خواهد. بنابراین ، از جانب او از شما می خواهیم که لطف و محبت خدا را رد نکنید و با او آشتی نمایید.

پطرس رسول نیز در رساله خود اول پطرس ۹:۲ میگوید:

اول پطرس ۹:۲ شما برگزیدگان خدا، و کاهنان پادشاهمان عیسی، و قوم مقدس و خاص خدا می باشید، تا به این ترتیب به دیگران نشان دهید که خدا چگونه شما را از تاریکی به نور عجیب خود دعوت نموده است.

بنابراین، می توان نتیجه گرفت که، خدمت بشارت یا صید کردن جانها، ابتدا با انتخاب شاگردان شروع شد، بعد کلیسای اولیه در اورشلیم تشکیل شد، بعد به یهودیه و سامره رسید و در نهایت تمام جهان و بالاخره بما رسید.

در اینصورت، ما مسیحیان موظفیم که صیاد جانها باشیم.

یکروز جسد شخصی بنام Luigi Toreszio را در یک وضعیت بسیار حقیرانه و اسف باری در خانه اش پیدا کردند. علارغم وضعیت ناراحت کننده ای که داشت در خانه او کلکسیون ۲۴۶ ویولن نفیس دست نخورده پیدا شد، که در طول زندگی اش جمع آوری کرده و در زیر شیروانی منزلش آنها را انبار کرده بود. علاقه شدید آقای Luigi و سایر کلکسیونر های قبل از او به ویولن باعث شد که مردم از شنیدن نوای نفیس ترین ویولنها محروم بمانند. به همین دلیل یکی از نفیسترین ویولنهای جهان اولین باری که نواخته شد ۱۴۷ سال قدمت داشت. دلیلش تنها این بود که یک شخص کلکسیونر آن را در تمام این مدت در یک گوشه، انبار کرده بود.

سوال اینجاست که چقدر از ما مسیحیان در رابطه با بکارگیری کلام خدا مثل Luigi عمل میکنیم؟

بسیار غم انگیز است که بسیاری از مسیحیان سالها از زندگی ایمانی شان می گذرد، به کلیسا می روند و خیلی مطالب از کتاب مقدس آموخته اند، اما هرگز کسی صدای آنان را در رابطه با بشارت انجیل نمی شود. آمار نشان میدهد که ۹۵٪ از مسیحیان آمریکا هرگز کسی را بمسیح دعوت نکرده اند.

دعوت شاگردان

نکته جالبی که در دعوت این چهار نفر یعنی پطرس و برادرش اندریاس و یعقوب و برادرش یوحنا همه مشغول کار ماهیگیری یا تعمیر تورهای ماهیگیری بودند.

شاگردانی که از آنها دعوت می شود افراد کاری، خشن و سرسختی بودند.

دعوت شاگردان به مفهوم کامل بودن آنها نیست. شاگردان درسهای زیادی بود که باید می آموختند.

مشکلات شاگردان

آنها مشکلات روحانی زیادی از جمله عدم دید روحانی، شک و ایمان ضعیف داشتند.

اصلاً تا چند ماه اول پس از دعوتی که عیسی از آنها کرده بود، سخنان مسیح را درک نمی کردند.

مسیح نیز با روشی که یهودیان به آن اصطلاحاً *Massahal* یعنی "مثال زدن" گفته می شود، به آنها آموزش می داد.

آنها هم در پاسخ سر خود را می خاراندند و از او می پرسیدن که منظورت از این مثل چیست؟ و بعد مسیح معانی مثلها را برایشان شرح می داد.

یکی از مشکلات آنها عدم حس همدردی و ترحم بود.

متی ۱۴:۱۵ عصر آن روز، شاگردان نزد او آمده ، گفتند: «اکنون دیر وقت است و در این بیابان خوراک یافت نمی شود. پس این مردم را مرخص فرما تا به دهات رفته ، برای خود نان بخرند.»

به عبارتی شاگردان داشتند به مسیح می گفتند مردم دارن کم کم گرسنه میشوند بهتر است آنها را مرخص کنیم تا بروند و برای خودشان خوراک تهیه کنند، در غیر اینصورت، غذا دادن به مردم بگردن ما می افتند. خوب ما ایرانیها خوب می دانیم که چنین اشخاصی بویی از مهمان نوازی نبرده اند.

(در اینجا خوب است که از تجربه خودم از مهمان نوازی خوزستانی ها بگویم در حین کار)

مشکل دیگر آنان عدم فروتنی بود.

شاگردان مانع نزدیک شدن بچه ها به مسیح می شدند اما مسیح در متی باب ۱۸ به آنها چنین می گوید.

شاگردان نزد عیسی آمده ، پرسیدند که کدامیک در ملکوت خدا مقام بزرگتری خواهند داشت . ۲ عیسی طفل کوچکی را صدا زد و او را به میان شاگردان آورد، ۳ و گفت : «تا از گناهانتان دست نکشید و بسوی خدا باز نگردید و مانند بچه های کوچک نشوید، هرگز نخواهید توانست وارد ملکوت خدا گردید! ۴ پس ، هر که خود را مانند این بچه کوچک فروتن سازد، در ملکوت خداوند بزرگترین خواهد بود؛ ۵ و هر که بخاطر من خدمتی به این بچه ها بکند، در واقع به من خدمت کرده است .

عدم بخشش یکی دیگر از مشکلات آنان بود.

متی ۲۳:۱۸-۲۳ در این هنگام پطرس پیش آمد و پرسید: «استاد، برادری را که به من بدی می کند، تا چند مرتبه باید ببخشم ؟ آیا هفت بار؟» ۲۲ عیسی جواب داد: «نه ، هفتاد مرتبه هفت بار!» ۲۳ آنگاه افزود: «وقایع ملکوت آسمان مانند ماجرای آن پادشاهی است که تصمیم گرفت حسابهای خود را تصفیه کند.

شاگردان در دعا کردن نیز مشکل داشتند. هنگام دعا خوابشان می برد.

شاگردان ترسو بودند. تا شبان را گرفتند گوسفندان پراکنده شدند.

عجب شاگردانی نه دید روحانی داشتند، نه نسبت به مردم احساس همدردی و ترحم، نه بخشش، نه اهل دعا بودند خلاصه اینکه پر از مشکل بودند اما عیسی مسیح علاوه بر تمام مشکلاتی که داشتند از آنها دعوت میکند که او را پیروی کنند تا صیاد جانها شوند.

چرا انتخاب افراد ضعیف؟

شاید پیرسید که خدا با چنین اشخاصی چکار میخواست بکند؟

پاسخ این است که خدا صنعتگر ماهر است و با مواد اولیه خام قادر به انجام خیلی کارهاست.

عیسی مسیح خوب می دانست که چکار می کند او بالاخره چیزی در این شاگردان می دید که شاید خودشان نمی دیدند. یک استعداد، توانایی یا خاصیت بالقوه که خدا در آنها نهاده بود.

علاوه بر این، انتخاب این جلیلی ها یک تو دهنی بزرگ به ربایان و رهبران یهود بود.

حتماً یهودیان از خود می پرسیدند که اگر عیسی واقعاً ماشیح است چرا شاگردان خود را از میان ربایان یا فریسیان و صدوقیان انتخاب نمی کند.

پولس رسول در این رابطه فرمود:

اول قرنیتیان ۲۷:۱-۲۹ خدا جهال جهان را برگزید تا حکما را رسوا سازد و خدا ناتوانان عالم را برگزید تا توانایان را رسوا سازد، و خسیسان دنیا و محقران را برگزید، بلکه نیستیها را تا هستیها را باطل گرداند. تا هیچ بشری در حضور او فخر نکند.

آنها بسیار زیرک، باهوش، تحصیلکرده و حتی از لحاظ ظاهری روحانی تر این شاگردان هستند.

این ماهیگیران هیچ نمی دانند، تحصیل نکردند حتی سواد هم ندارند. اما عیسی مسیح چیزی بهتر از حکمت انسانی، مراسم و تشریفات روحانی و حتی تحصیلات در آنها یافته بود و آن دل تشنه و گرسنه حقیقت و سرسپردگی کامل برای آموختن و عوض شدن بود. شاگردان می دانستند که در مقابل خدا هیچ هستند و به نیاز روحانی خود واقف بودند.

Matthew Broadis مفسر کتابمقدس که اثر بسیار خوبی در تفسیر متی بجا گذاشته می گوید از آنجائیکه شاگردان مسیح مشکلات مذهبی فریسیان، صدوقیان و کاهنان ریاکار را نداشتند برای پذیرش آئین و تعالیم جدید بسیار مستعدتر از سایرین بودند.

به احتمال قوی هر ۱۲ شاگرد بدون تحصیل در مدرسه ربایان از زندگی معمولی و ساده ای برخوردار بودند. در اعمال ۱۳:۴ می خوانیم که رهبران یهود از بی علم و اُمی بودن شاگردان تعجب کردند.

اعمال ۱۳:۴ پس چون دلیری پطرس و یوحنا را دیدند و دانستند که مردم بی علم و اُمی هستند، تعجب کردند و ایشان را شناختند که از همراهان عیسی بودند.

ما ایمانداران گاهی به اشتباه تصور می کنیم که اگر فلان شخص مشهور به مسیح ایمان بیاورد چقدر خوب می شود چون خدا می تواند از استعداد و توانایی او استفاده کند و خیلی ها را برای مسیح صید کند.

در صورتیکه خدا هرگز از آنها استفاده نمی کند و هیچگاه آنها را برای صید جانها دعوت نمی کند.

فراموش نکنید که او خداست و قادر مطلق. او هر کس را بخواهد انتخاب می کند و بکار می گیرد.

او قادر است که از آنانیکه هیچ بشمار می آیند مبشرین و قهرمانان ایمان بسازد.

خدا در متی ۱۹:۴ ماهیگیران ساده و بیسواد را برای صید جانها اینچنین دعوت کرد.

متی ۱۹:۴ بدیشان گفت، از عقب من آید تا شما را صیاد مردم گردانم. (ترجمه کلاسیک)

این ماهیگیران ساده افراد عامی بودند که در میان مردم زندگی می کردند و بسادگی قادر به ارتباط با افراد فقیر و معمولی جامعه بودند.

خدا به چنین افراد نیاز دارد هدف اصلی او صید جانهاست.

پاسخ این افراد ساده به دعوت عیسی مسیح بسیار شگفت انگیز است.

پاسخ پطرس و اندریاس به دعوت مسیح در آیه ۲۰ ...

متی ۲۲:۴ ... در ساعت دهمها را گذارده، از عقب او روانه شدند.

و پاسخ یعقوب و یوحنا در آیه ۲۲ چنین است.

متی ۲۲:۴ ... در حال، کشتی و پدر خود را ترک کرده، از عقب او روانه شدند.

نتیجه گیری:

بیائید دل‌های خودمان را تفتیش کنیم و ببینیم که آیا ما هم مثل این شاگردان تشنه و گرسنه حقیقت هستیم.

آیا خودمان را در برابر خدا ناچیز و درمانده می‌بینیم؟

اگر واقعاً با قلبی مشتاق آماده پذیرش دعوت مسیح هستید، می‌تونید همین الان با توبه خودتان را به او واگذار کنید.

و اگر قبلاً از گناهانتان توبه کردید اما تا بحال برای خدا کسی را صید نکردید و یا کلامش را برای کسی بازگو نکردید، الان فرصت خوبی

است که از خداوند بخواهید که به شما کمک کند تا به همکاران او بپیوندید؟

خدا از همه ما دعوت به همکاری می‌کند.